



مطالعه تطبیقی
گرایش‌های تفسیری
در آیات ایمان و کفر

دکتر محمد اسعدی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۲

اسعدی، محمد، ۱۳۵۰ -
مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری در آیات ایمان و کفر / مؤلف محمد اسعدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.
هفت، ۲۸۸ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۰۰؛ قرآن پژوهی: ۹۱)
ISBN: 978-600-298-485-2
بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
زبان: عربی - فارسی.
کتابنامه. ص. ۲۶۱-۲۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. تفاسیر -- مطالعات تطبیقی. ۲. Qur'an -- Commentaries -- Comparative studies. ۳. ایمان (اسلام) --
جنبه‌های قرآنی. ۴. Faith (Islam) -- Qur'anic teaching. ۵. کفر و کافران -- جنبه‌های قرآنی.
۶. Kufir (Islam) -- Qur'anic teaching. ۷. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
BP۹۱/۵
۲۹۷/۱۷۱
شماره کتابشناسی ملی
۹۳۴۳۲۵۷



مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری در آیات ایمان و کفر

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
صفحه‌آرا: اعظم یزدلی
چاپ اول: پاییز ۱۴۰۲
تعداد: ۳۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - سبحان
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۴۸۵-۲

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳-۱۸۵
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: http://rihu.ac.ir/fa/book
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲، تلفن: ۰۲۵-۸۴۲۶۳۵۳-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی، ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درس مکاتب و جریان‌های تفسیری برای دانشجویان رشته تفسیر تطبیقی در مقطع تحصیلات تکمیلی قابل استفاده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، زنده‌یاد حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی و نیز از ارزیابان محترم، حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمود طیب‌حسینی و حجت‌الاسلام دکتر علی راد سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

بخش اول: کلیات و مبادی

- ۱-۱. مفاهیم کلی تحقیق ۷
- ۱-۱-۱. گرایش‌های تفسیری - کلامی ۷
- ۱-۱-۲. تطبیق، مطالعه تطبیقی و تفسیر تطبیقی ۸
- ۱-۲. روش اجتهادی قرآن محور در تفسیر تطبیقی ۱۰
- ۱-۳. درنگی در جریان‌های کلامی - تفسیری ۱۱
- ۱-۳-۱. جریان‌های متقدم ۱۱
- ۱-۳-۲. جریان‌های متأخر ۲۳

بخش دوم: ایمان و کفر در رویکردهای کلامی - تفسیری

- فصل اول: ماهیت ایمان و کفر ۴۱
- ۱-۱. مفهوم لغوی ایمان و کفر ۴۱
- ۱-۱-۱. لغت ایمان ۴۱
- ۱-۱-۲. لغت کفر ۴۲
- ۱-۲. کاربرد قرآنی ایمان و کفر ۴۳
- ۱-۲-۱. ایمان در کاربرد قرآنی ۴۴

۴۶	۲-۲-۱. کفر در کاربرد قرآنی.....
۴۸	۳-۱. تعریف اصطلاحی ایمان و کفر.....
۴۸	۱-۳-۱. تعریف ایمان.....
۵۷	۲-۳-۱. تعریف کفر.....
۶۲	۴-۱. جمع‌بندی فصل اول.....
۶۳	فصل دوم: مسائل ایمان و کفر با تحلیل کلامی - تفسیری.....
۶۳	۱-۲. ایمان، کفر و معرفت.....
۶۴	۱-۱-۲. چیستی معرفت.....
۶۹	۲-۱-۲. جایگاه معرفت نسبت به ایمان و کفر.....
۷۷	۲-۲. ایمان، کفر و اراده.....
۷۸	۱-۲-۲. پیشینه مسئله در میان متکلمان نخستین.....
۷۸	۲-۲-۲. تحلیل مسئله در میان متکلمان مشهور.....
۱۰۲	۳-۲. مراتب ایمان و کفر.....
۱۰۳	۱-۳-۲. عمل‌گرایان.....
۱۰۷	۲-۳-۲. تصدیق‌گرایان.....
۱۱۶	۴-۲. مسئله تکفیر در جریان‌های سلفی از نظریه کلامی تا رویکرد اجتماعی.....
۱۱۸	۱-۴-۲. نظریه تکفیری ابن تیمیه و پیروان سلفی‌اش.....
۱۳۰	۲-۴-۲. رویکرد تکفیری - اجتماعی سلفیان معاصر.....
۱۳۴	۳-۴-۲. تحلیلی انتقادی بر نظریه و رویکرد تکفیری سلفیان.....
۱۴۶	۵-۲. جمع‌بندی فصل دوم.....
۱۴۷	جمع‌بندی کلی و نتیجه نهایی بخش دوم.....

بخش سوم: نمونه‌های بررسی تفسیری - تطبیقی

۱۵۳	فصل اول: ایمان و اراده در آیه ۲۴ انفال (آیه حیلوله).....
۱۵۴	۱-۱. گزارشی از آرای تفسیری کلامی.....

۱۵۴ معتزله	۱-۱-۱
۱۵۵ اشاعره	۲-۱-۱
۱۶۸ بررسی لغوی مفردات آیه	۱-۲-۱
۱۷۰ بررسی شواهد قرآنی در تفسیر آیه	۲-۲-۱
۱۷۶ بررسی شواهد روایی در تفسیر آیه	۳-۲-۱
۱۸۱ جمع‌بندی فصل اول	۲-۱
۱۸۳ فصل دوم: ایمان و عمل در آیه ۸۲ سوره انعام	
۱۸۳ گزارشی از آرای تفسیری کلامی	۱-۲
۱۸۳ معتزله	۱-۱-۲
۱۸۵ اشاعره	۲-۱-۲
۱۸۷ ماتریدیه	۳-۱-۲
۱۸۷ سلفیه	۴-۱-۲
۱۹۰ امامیه	۵-۱-۲
۱۹۵ بررسی‌های تفسیری	۲-۲
۱۹۵ بررسی لغوی مفردات آیه	۱-۲-۲
۱۹۷ بررسی شواهد قرآنی در تفسیر آیه	۲-۲-۲
۱۹۹ سایر شواهد قرآنی	۳-۲-۲
۲۰۳ بررسی شواهد روایی در تفسیر آیه	۴-۲-۲
۲۰۸ جمع‌بندی فصل دوم	۳-۲
۲۱۱ فصل سوم: مراتب ایمان در آیه ۱۰۶ سوره یوسف	
۲۱۲ گزارشی از آرای تفسیری کلامی	۱-۳
۲۱۲ معتزله	۱-۱-۳
۲۱۲ اشاعره	۲-۱-۳
۲۱۳ ماتریدیه	۳-۱-۳

۲۱۴	۳-۱-۴. سلفیه
۲۱۷	۳-۱-۵. امامیه
۲۲۰	۳-۲. بررسی‌های تفسیری
۲۲۰	۳-۲-۱. بررسی لغوی مفردات آیه
۲۲۱	۳-۲-۲. بررسی شواهد قرآنی در تفسیر آیه
۲۲۵	۳-۲-۳. بررسی شواهد روایی در تفسیر آیه
۲۲۶	۳-۳. جمع‌بندی فصل سوم
۲۲۹	فصل چهارم: مسئله تکفیر در آیه ۴۴ سوره مائده
۲۳۰	۴-۱. گزارشی از آرای تفسیری کلامی
۲۳۰	۴-۱-۱. معتزله
۲۳۱	۴-۱-۲. اشاعره
۲۳۲	۴-۱-۳. ماتریدیه
۲۳۲	۴-۱-۴. سلفیه
۲۳۸	۴-۱-۵. امامیه
۲۴۱	۴-۲. بررسی‌های تفسیری
۲۴۱	۴-۲-۱. بررسی لغوی مفردات آیه
۲۴۳	۴-۲-۲. بررسی شواهد قرآنی در تفسیر آیه
۲۵۰	۴-۲-۳. بررسی شواهد روایی در تفسیر آیه
۲۵۴	۴-۳. جمع‌بندی فصل چهارم
۲۵۵	جمع‌بندی و نتیجه‌نهایی بخش سوم
۲۵۷	نتایج کلی کتاب
۲۵۸	پژوهش‌های پیشنهادی
۲۶۱	منابع و مأخذ

مقدمه

دانش تفسیر قرآن همواره دغدغه خاطر اندیشمندان بوده و روش‌ها و گرایش‌های گوناگونی را تجربه کرده است. امروزه تفسیر با تکیه بر مطالعات تطبیقی، به‌رغم پیشینه طولانی آن در منابع فریقین، به‌ویژه با رویکرد کلامی، از اهمیت زیادی برخوردار بوده و از زوایای گوناگونی قابل توجه است؛ از یک‌سو، تثبیت فهم‌ها و باورهای درست و معتبر مذهبی و دفاع از مذهب حق در مجادلات و نزاع‌های عقیدتی و نقد فهم‌ها و باورهای نادرست دیگران، رسالتی مهم است که جز با بررسی‌های تطبیقی و متکی به شناخت درست مذاهب، منصفانه به‌نظر نمی‌رسد؛ از سوی دوم، بررسی‌های تطبیقی گاهی در برطرف‌شدن برخی سوءفهم‌ها و طرز تلقی‌ها نسبت به دیگر مذاهب مؤثر بوده و به‌کم‌رنگ شدن اختلافات و کم‌شدن فاصله‌های اعتقادی مذاهب کمک کرده و راه تقریب مذهبی را به‌عنوان نیاز امروز جهان اسلام در برابر جبهه مشترک کفر و الحاد تسهیل می‌کند و از سوی سوم، به‌دلیل درهم‌تنیدگی تاریخی بسیاری از آرای مذهبی کلامی فریقین، گاهی فهم بهتر مسائل و موضوعات درون‌مذهبی در گرو بررسی‌های تطبیقی است.

در میان موضوعات کلامی و اعتقادی، موضوع ایمان و کفر و مسائل مربوط به آن، جایگاهی کلیدی داشته و پایه بسیاری از موضوعات و مسائل دیگر در باورهای دینی و مذهبی تلقی می‌شود؛ چه اینکه طرح آن نیز پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اسلام داشته و یکی از ارکان شکل‌گیری مذاهب کلامی را باید در نوع مواجهه با آنها جست‌وجو کرد؛ به‌طور خاص نزاع خوارج با دیگران از جمله امامیه و مرجئه، اساساً ریشه در همین مسئله داشته است و دیگر مذاهب و جریان‌های معروف کلامی نیز همواره بر سر این موضوع اختلافات بنیادینی داشته‌اند که در روزگار ما نیز آثار اجتماعی آن را در فتنه‌های برخاسته از برخی شاخه‌های سلفیه به‌وضوح شاهدیم.

۲ مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری در آیات ایمان و کفر

امروزه هرچند ابعاد اجتماعی و سیاسی این فتنه‌ها در میان برخی جریان‌های افراطی برجسته‌تر دیده می‌شود، اما پشتوانه‌های معرفتی آنها به‌ویژه در حوزه قرآن و حدیث برای اندیشمندان از اهمیت بیشتری برخوردار است. در خود این جریان‌ها نیز تلاش نسبتاً گسترده‌ای برای تثبیت فکری و کلامی و تبیین پشتوانه‌های معرفتی آنها در قالب‌های مختلف به‌ویژه در رسانه‌های مجازی صورت می‌گیرد.^۱

نکته قابل تأمل آنکه رویکردهای یک‌سویه سلبی و ایجابی در مسائل معرفتی همچون ایمان و کفر، همواره با آسیب‌های جدی همراه بوده است؛ از یک‌سو، رویکرد سلبی با تأکید بر مسئله تکفیر و تفسیق برای جریان‌هایی چون خوارج اهمیت یافته و نتایجی زیان‌بار و افراطی را به همراه داشته است و از سوی دیگر، تأکید بر رویکرد ایجابی معطوف به مسئله ایمان و نادیده‌انگاری مسائل مرتبط با کفر و شرک و ماهیت و قلمرو آن که در صدر اسلام در قالب جریان مرجئه نهادینه شده، با آسیب‌های جدی همراه بوده و از همین روی مورد حمایت برخی جریان‌ها همچون امویان قرار گرفته است. در روایتی ارزشمند از امام صادق (علیه السلام) چنین می‌خوانیم:

إِنَّ بَنِي أُمَيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ وَ لَمْ يُطْلَقُوا تَعْلِيمَ الشَّرْكِ لِكَيْ إِذَا حَمَلُوهُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفُوهُ؛^۲ امویان آموزش ایمان را آزاد گذاشتند، ولی اجازه آگاه شدن به حقیقت شرک را نداده و آن را ناشناخته و مبهم واگذاشتند تا وقتی خواستند مردم را (با اطاعت بی‌چون و چرای خود و انجام رفتارهای خلاف ایمان) به شرک وادارند، آنان متوجه نشوند.^۳

اینک، از آنجاکه حوزه تفسیر قرآن حوزه معرفتی مشترک در میان مذاهب اسلامی است، تفسیر تطبیقی در آیات مرتبط با موضوعات و مسائل کلامی اهمیتی مضاعف دارد. نویسنده در این اثر عزم آن دارد که رویکرد کلامی تفسیری پنج جریان مشهور شامل معتزله، اشاعره، ماتریدیه، سلفیه و امامیه را در موضوع ایمان و کفر و مسائل برجسته آن بررسی کند و با بررسی

۱. از جمله درباره منابع مکتوب بنگرید: نصر اصفهانی، کتاب‌شناسی تکفیر. در این باره همچنین مراجعه به سایت دبیرخانه کنگره جهانی بررسی جریان‌های افراطی و تکفیری معاصر تحت اشراف حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی بخش کتابخانه و مقالات مفید است. پایگاه‌های اینترنتی متعددی نیز در این زمینه فعال‌اند که در این اثر به آنها ارجاع داده می‌شود.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۶، ح ۱.

۳. برای بررسی و شرح این روایت بنگرید: مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۱، ص ۲۳۴؛ نیز مازندرانی، شرح الکافی، ج ۱۰، ص ۱۱۹، حاشیه شعرانی.

تطبیقی نمونه‌هایی از آیات بحث‌انگیز قرآن، گامی نو در مطالعات تفسیر تطبیقی بردارد. به توفیق الهی، نویسنده در نظر دارد گام بعدی این پژوهش را به مطالعه تطبیقی روش‌های تفسیری با محوریت برخی دیگر از حوزه‌های معرفتی قرآن اختصاص دهد.

درباره اثر حاضر گفتنی است سعی نویسنده استفاده از منابع اصلی جریان‌های کلامی تفسیری بوده که در موارد زیادی، به‌ویژه در منابع جریان ماتریدیه و شاخه‌های جدید جریان سلفی، جز با مراجعه‌سایت‌های معتبر اینترنتی میسر نبوده است. از دشواری‌های این تحقیق در بخش شناخت آرای کلامی، افزون بر دستیابی به این منابع، دوگانگی‌های نظری و عملی در دیدگاه و رویکرد جریان سلفی و شاخه‌های مختلف آنها بوده که کار جمع‌بندی و نتیجه‌گیری را دشوار ساخته و چنین ایجاب کرده است که نویسنده در پاره‌ای موارد دست به گزینش بزند و یا بحث را به‌صورت غیر قاطع سامان دهد.

از نکات شایسته ذکر در اینجا آن است که این اثر در اصل با هدف تأمین منبعی مناسب برای درس جریان‌ها و مکاتب تفسیری در مقطع تحصیلات تکمیلی تعریف شده است. در این راستا طرح برخی مباحث کلامی و تاریخی که رویکرد تفسیری کم‌رنگی دارند، به غرض آشنایی بیشتر مخاطبان با این جریان‌ها ضرورت داشته است. همچنین گزارش عین عبارات و متونی از منابع کلامی و تفسیری در لابه‌لای مباحث یا پاورقی‌ها و عدم ترجمه آنها با هدف آشنایی خوانندگان با زبان و ادبیات این منابع، مناسب دیده شده است. افزون‌براین، عدم ترجمه غالب آیات و روایات با اتکا به توانمندی نسبی مخاطبان و جهت زمینه‌سازی مطالعات درسی همراه با تفکر و مشارکت علمی صورت گرفته است؛ ضمن آنکه در همین راستا، موضوعات و مسائل پژوهشی پیشنهادی در پایان این کتاب نیز برای دانش‌پژوهان مغتنم خواهد بود.

خوانندگان گرامی اذعان دارند که بررسی‌های تطبیقی با رویکرد مورد نظر این اثر که تفسیر تطبیقی را از یک‌سو با مقارنه و مقایسه دیدگاه‌ها و ازسوی دیگر با کاربست مباحث نظری و مطالعات تطبیقی در تفسیر نمونه‌هایی از آیات قرآن دنبال می‌کند، از فایده و اهمیت خاصی برخوردار بوده و به موازات آن دشواری‌های جدی نیز به همراه دارد. نویسنده در این مسیر از پاره‌ای تذکرات عالمانه استادان و ارزیابان ارجمند، پیش از چاپ این کتاب سود جسته و پس از چاپ نیز چشم‌انتظار و سپاسگزار یاری مخاطبان فرهیخته اثر برای رفع اشکالات و توسعه و تکمیل مطالب آن است.

بخش اول

کلیات و مبادی

- مفاهیم کلی تحقیق
- روش اجتهادی قرآن محور در تفسیر تطبیقی
- درنگی در جریان های کلامی - تفسیری

در این بخش، نخست به شرح مفاهیم کلی و کلیدی کتاب و سپس به دو بحث مقدماتی شامل توضیح روش اجتهادی قرآن‌محور در تفسیر تطبیقی و درنگی در تاریخ جریان‌های کلامی تفسیری می‌پردازیم.

۱-۱. مفاهیم کلی تحقیق

دو مفهوم کلی و کلیدی این تحقیق، یعنی «گرایش‌های تفسیری-کلامی» و «بررسی تطبیقی» در اینجا شایسته توضیح به نظر می‌رسند. از دو مفهوم ایمان و کفر نیز به دلیل آنکه فراتر از مقدمات و مباحث کلی، اهمیتی ویژه در ارتباط با مباحث اصلی این تحقیق داشته و نیازمند تفصیل و شرح بیشترند، در بخش آینده یاد خواهیم کرد.

۱-۱-۱. گرایش‌های تفسیری-کلامی

اصطلاح «گرایش‌های تفسیری» به آن دسته از جریان‌های تفسیری ناظر است که بر اساس رویکرد و اهتمام و علاقه خاطر مفسران و در راستای تخصص علمی ایشان شکل گرفته و طبعاً به دسته خاصی از آیات و مفاهیم قرآنی معطوف شده‌اند.^۱ این اصطلاح که از آن در زبان عربی به «اتجاهات» یاد شده،^۲ معمولاً در کنار روش‌ها یا مناهج تفسیری به کار می‌رود. در این کاربرد، روش‌های تفسیری نه صرفاً بر اساس رویکرد و تخصص و علاقه خاطر مفسران، بلکه بر اساس منابع و شیوه تفسیر تعریف می‌شوند. آن دسته از گرایش‌های تفسیری که بر اساس مسائل کلامی و باورهای دینی و مذهبی

۱. بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۹؛ شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۴۸-۵۲؛ شاکر، ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، مقالات و بررسی‌ها.

۲. ر.ک: شریف، اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ص ۶۷.

۸ مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری در آیات ایمان و کفر

مفسران سامان یافته و طبعاً به بررسی تفسیر آیات مربوط به این باورها می‌پردازند، گرایش‌های تفسیری-کلامی نامیده می‌شوند.

به عبارت دیگر، دانش کلام اسلامی که از جهت منابع و روش، در تعریفی قابل قبول به دانش تبیین و دفاع از عقاید اسلامی (در حوزه مبدأ و معاد) با روش‌ها و ادله علمی اعم از عقلی و نقلی شناخته می‌شود،^۱ در رویکرد نقلی خود شاخه‌های فرعی‌تری دارد که به ادله قرآنی و تفسیر آیات اعتقادی تکیه دارد. گرایش‌های تفسیری-کلامی در واقع به این شاخه‌های کلامی با رویکردی نقلی-تفسیری معطوف است که در منابع کلامی فریقین در طول تاریخ حضور پررنگی داشته است.

۱-۲-۱. تطبیق، مطالعه تطبیقی و تفسیر تطبیقی

امروزه با ظهور رشته تفسیر تطبیقی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، اندیشه‌ورزی و منقح‌سازی این اصطلاح به دغدغه جدی برخی محققان تبدیل شده است.^۲ واژه «تطبیق» در دو زبان فارسی و عربی، دو معنای متفاوت یافته است. در زبان فارسی این واژه معمولاً به مقارنه و مقایسه معنا می‌شود،^۳ اما در زبان عربی معاصر، به معنای عینیت‌بخشی به یک نظریه علمی و کاربست عملی آن آمده است.^۴ البته برخی نویسندگان فارسی‌زبان نیز به این معنا از تطبیق وفادارند.^۵ این معنا در واقع به تطبیق اصول کلی و نظری بر مصادیق و نمونه‌های فرعی و عینی ناظر است؛ چنان‌که برخی محققان در راستای همین معنا، سازگاری میان نظریه و تطبیق در قرآن را از شگفتی‌های قرآن دانسته و تفسیر تطبیقی را در واقع بررسی دو دسته آیات در موضوعات علمی

۱. ر.ک: مطهری، کلیات علوم اسلامی، ص ۱۶۳؛ برنجکار، آشنایی با علوم اسلامی کلام، فلسفه و عرفان، ص ۱۲.
۲. در این باره بنگرید: قراملکی، «کارآیی و اثربخشی در مطالعات تطبیقی ادیان»، پژوهش و حوزه، ش ۲۶، ص ۳۳؛ جلیلی، پژوهشی در تفسیر پژوهی قرآن، ص ۳۱-۳۲؛ طبیب‌حسینی، «تفسیر تطبیقی»، دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۲۲۰؛ عسکری، جریان‌شناسی تفسیر تطبیقی، فصل اول.
۳. معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه «تطبیق».
۴. آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، ص ۳۹۲-۳۹۳؛ خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، مدخل تفسیر تطبیقی، ج ۱، ص ۶۴۰؛ ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۵۱؛ گویا نویسنده معاصر عراقی سیدمحمدعلی الحلو همین معنا از تطبیق را در کتاب خود در نظر گرفته است؛ بنگرید: حلو، تفسیر الامام الحسین (علیه السلام) التفسیر الاثری التطبیقی، ص ۸.
۵. خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۱، ص ۶۴۱.

بخش اول: کلیات و مبادی ۹

از قبیل هستی، تاریخ و جامعه شمرده‌اند: دسته نخست آیات مربوط به قواعد و اصول کلی و دسته دوم آیات ناظر به مصداق‌های این اصول کلی.^۱ برخی مفسران نیز به‌ویژه در حوزه تفسیر عرفانی و تربیتی با الهام از همین معنای تطبیق به پیاده‌سازی مفاهیم تاریخی قرآن بر احوال نفس انسانی پرداخته‌اند.^۲ این معنا را می‌توان در ذیل روشی ارزیابی کرد که در ادبیات روایی اهل بیت (علیهم‌السلام) با عنوان جری و انطباق معرفی شده است.^۳

با تکیه بر معنای مشهور تطبیق در فارسی، در «مطالعه تطبیقی تفاسیر» از روش تطبیق به معنای مقارنه و مقایسه دیدگاه‌های مختلف، استفاده می‌شود.^۴ مراد از مقارنه، کنار هم نهادن دیدگاه‌های مختلف علمی و مراد از مقایسه، بررسی آنها در کنار هم با لحاظ مشابهت‌ها و اختلافات و تبیین و تحلیل این اختلافات است. برخی واژه عربی «موازنه» را معادل دقیق‌تری برای تطبیق به این معنای مشهور فارسی دانسته‌اند.^۵

اما فهم اصطلاح «تفسیر تطبیقی» که مطالعه تطبیقی و مقارنه‌ای تفاسیر را با هدف تفسیر به معنای فهم و شناسایی مدلول صحیح آیات قرآن دنبال می‌کند، نیازمند دقت بیشتر است. به نظر می‌رسد مطالعات تطبیقی تفاسیر با دورویکرد توصیفی و انتقادی، می‌تواند مقدمه‌ای برای تفسیر تطبیقی تلقی شود و طبعاً نباید این مطالعات را «تفسیر تطبیقی» شمرد؛ از این‌رو، برخلاف برخی دیگر از تعریف‌ها،^۶ مفسر تطبیقی به مطالعات و بررسی‌های تطبیقی به دیده مقدماتی نگریسته و از پی آن در اندیشه عمل تفسیر و فهم آیات است. با این توضیح، تفسیر تطبیقی صرفاً مطالعه‌ای مقارن از سنخ تحقیقات درجه دو و پسینی نخواهد بود، بلکه با هدفی تفسیری و به اصطلاح با شناختی پیشینی و درجه یک به سامان می‌رسد.^۷

از این منظر، در نوشتار حاضر بررسی گرایش‌های تفسیری-کلامی در آیات ایمان و کفر با ارائه نوعی از تفسیر تطبیقی به معنای فوق همراه خواهد بود. در واقع، افزون بر مطالعه تطبیقی

۱. غالب، مداخل جدیدة للتفسیر، ص ۱۱-۲۹؛ عبدالرحیم، التفسیر الموضوعی للقرآن فی کفّتی المیزان، ص ۱۰۳.

۲. خمینی، آداب الصلاة، ص ۱۹۵، ۲۰۷ و ۲۱۷.

۳. ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴. ر.ک: قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۴۹-۲۷۴.

۵. ر.ک: هلال، ادبیات تطبیقی، ص ۳-۳۱.

۶. ر.ک: طیب‌حسینی، «تفسیر تطبیقی»، دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۲۲۳.

۷. ر.ک: عسکری، جریان‌شناسی تفسیر تطبیقی، ص ۳۵-۳۸.

۱۰ مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری در آیات ایمان و کفر

تفسیر به معنای مقارنه و مقایسه آراء، کوشش می‌شود مباحث نظری و جستارهای تطبیقی، با تفسیر نمونه‌هایی از آیات برجسته و پرچالش قرآن کریم در حوزه کلامی ایمان و کفر همراه شود. این امر افزون بر نمونه‌هایی که در لابه‌لای مباحث بخش دوم به اشاره و یا با توضیحی کوتاه بیان می‌شود، در بخش اخیر به صورت تفصیلی دنبال خواهد شد. رویکرد غالب در مباحث بخش دوم، مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های مفسران متکلم و رویکرد غالب در مباحث بخش اخیر، بررسی‌های تفسیری خواهد بود.

۲-۱. روش اجتهادی قرآن‌محور در تفسیر تطبیقی

به نظر می‌رسد فارغ از سطح نخست تفسیر که به حوزه فهم عمومی قرآن و دریافت هدایت‌های همگانی آن ناظر بوده و هدف نخست نزول این کتاب آسمانی است و بر همین اساس «هُدًى لِلنَّاسِ» شمرده شده است (بقره، ۱۸۵)، در مطالعات تخصصی حوزه تفسیر و نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی و پاسخ به پرسش‌های بیرونی از جمله در تفسیر کلامی، روش اجتهادی تنها روش کارآمد و قابل دفاع است. مراد از روش اجتهادی در اینجا، نه فقط تفسیر عقلی، بلکه کاربست عالمانه و قاعده‌مند عموم منابع، ابزارها و قراینی است که به کار فهم آیات آمده و دلالت معتبری از آیات کتاب الهی را پیش‌روی مفسر می‌نهد.^۱

واقعیت این است که آن دسته از موضوعات و مسائل کلامی که مورد بحث و نزاع متکلمان است، غالباً در همه مذاهب، به مستندات قرآنی در سطح ظاهر آیات تکیه داشته و هر جریان سعی کرده است ظاهر آیات را پشتوانه باور کلامی خود تلقی کند؛ به عبارتی، زبان قرآن در بسیاری از مسائل کلامی غالباً سؤال‌انگیز و شبهه‌خیز بوده و از این منظر با نوعی تشابه همراه است؛ از این رو، عبور از سطح ظاهر آیات و عدم اکتفا به این سطح از تفسیر و جست‌وجوی همه‌جانبه علمی اجتهادی، برای شناخت مدلول جدی و حقیقی کلام الهی ضرورت دارد.

از سوی دیگر، مطالعه تطبیقی و گفت‌وگوی علمی در این حوزه نیازمند منطق مشترکی است که بتوان بر اساس آن، اشتراکات و اختلافات مذاهب را بررسی و تحلیل نمود؛ طبیعی است که گاه اختلافات جدی میان مفسران مذاهب اسلامی در برخی مبانی تفسیری مانند نقش منابع روایی، رسیدن به منطق مشترک در تفسیر را با دشواری جدی روبه‌رو می‌کند؛ از این رو، تفسیر

۱. ر.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۰۸؛ اسعدی، جریان‌شناسی تفسیر قرآن‌گرا، ص ۱۰-۱۴.

بخش اول: کلیات و مبادی ۱۱

تطبیقی در حوزه گرایش‌های کلامی نیازمند نوعی اجتهاد روشمند است که از اصول مشترک مذاهب، بیگانه نباشد. از این زاویه به نظر می‌رسد «روش اجتهادی قرآن‌محور» روش قابل دفاعی است که می‌توان آن را در مطالعات تفسیر تطبیقی، کارآمد یافت. مؤلفه اصلی این روش اجتهادی، در نظر گرفتن نقش محوری برای دلالت‌های قرآنی در تفسیر و آزمودن سایر منابع و شواهد مقتضی، در پرتو قرآن و آموزه‌های قرآنی است. در واقع، طبق این روش، منابع غیرقرآنی حجیتی مستقل و بی‌ارتباط با متن قرآن نخواهند داشت، بلکه شرط حجیت آنها کشف سازگاری و عدم مخالفت با ظهورات قرآنی است؛ مگر آنکه محتوای آنها از قلمرو تفسیر خارج بوده و به تفصیل معرفتی مرتبط با آیات مربوط باشد که طبعاً اعتبار آنها تابع ملاک و معیارهای خاص آنها خواهد بود.^۱

۳-۱. درنگی در جریان‌های کلامی-تفسیری

به نظر می‌رسد مهم‌ترین گرایش‌های تفسیری-کلامی که امروزه منابع علمی و تفسیری قابل توجهی از آنان در دست است، در پنج جریان معتزله، اشاعره، ماتریدیه، سلفیه و امامیه قابل پیگیری است. البته این جریان‌ها نیز خود در بستر جریان‌های کلامی متقدم با محوریت پنج فرقه کهن خوارج، مرجئه، اهل حدیث، معتزله متقدم و حدیث‌گرایان امامیه عمدتاً در سه قرن اول هجری شکل گرفته‌اند.

در این راستا ابتدا بستر اولیه جریان‌های کلامی را با محوریت این پنج فرقه کهن، مورد اشاره قرار می‌دهیم و سپس در امتداد آنها به معرفی جریان‌های کلامی مشهور بعدی شامل معتزله، اشاعره، ماتریدیه، سلفیه و امامیه و گرایش تفسیری آنها می‌پردازیم.

۱-۳-۱. جریان‌های متقدم

جریان‌های متقدم کلامی تا اوایل قرن چهارم که بستر اولیه جریان‌های متأخر کلامی-تفسیری به‌ویژه در مسئله ایمان و کفر به شمار می‌آیند، در پنج فرقه به شرح زیر قابل مطالعه‌اند:

۱. اسعدی، همان، ص ۱۶-۲۸؛ برای مطالعه تفاوت روش اجتهادی قرآن‌محور با روش اجتهادی قرآن‌باور از منظر نویسندگان بنگرید: اسعدی، جریان‌شناسی تفسیر روایی، ص ۱۱۷-۱۱۸.

الف) خوارج

خوارج را نخستین تشکّل سیاسی با شعارهای مذهبی دانسته‌اند که به روش ظاهرگرایانه و با رویکرد سخت‌گیرانه در شروط ایمان، با حربۀ تکفیر و ابزارهای خشن به مبارزه با مخالفان خود پرداختند. به گواه شواهد تاریخی در پیدایش این فرقه، آنان بیش از آنکه دغدغه بحث علمی کلامی با محوریت مسئله ایمان و کفر را داشته باشند، رویکرد و نگرش انتقادی و مطالبه‌گرانه به حاکمیت و خلافت داشته‌اند.^۱

آنان در آغاز با رهبری عبدالله بن وهب راسبی (م ۳۸ق)، علیه حاکمیت امام علی (علیه السلام) به ستیز و شورش برخاستند و ایشان را به بهانه‌هایی چون تن دادن به حکمیت در جریان جنگ با معاویه در صفین، تکفیر کرده و شایسته قتل شمردند.^۲ به همین مناسبت به آنان «محکمه» نیز گفته‌اند. «حروریه» (منسوب به سرزمین حروراء در نزدیکی کوفه)، «مارقه»، «مکفّره» و «نواصب» از دیگر القاب آنان است.^۳

به گزارش مشهور، این فرقه در نزاعی که با امام علی (علیه السلام) در ماجرای حکمیت داشتند، موضعی اعتقادی درباره کفر و ایمان را دستاویز مبارزه با امام (علیه السلام) قرار داده و بر مبنای دخالت عمل در ماهیت ایمان، معتقد شدند که تن دادن ایشان به حکمیت و حجیت بخشی به حکم غیر خدا، گناهی کبیره بوده که با ایمان سازگار نیست و از همین رو باید با ایشان به مبارزه برخاست؛ زیرا قرآن از یک سو تأکید دارد که حکم به غیر حکم الهی کفر است (اشاره به آیاتی چون «وَمَنْ لَّمْ يُجِزْكُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» مائده، ۴۴ و «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ» انعام، ۵۷) و از سوی دیگر به جنگ با اهل بغی (سرکشان جامعه اسلامی) دستور می‌دهد (اشاره به آیه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ...» حجرات، ۹).^۴

در گزارشی هم که شهرستانی (م ۵۴۸ق) از آغاز فرقه معتزله با کناره‌گیری واصل بن عطا (م ۱۳۱ق) از درس حسن بصری (م ۱۱۰ق) نقل می‌کند، آمده است که واصل در مجلس درس

۱. احمد امین، ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۵؛ ایزوتسو، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسینا، ص ۳۴.

۲. منقری، وقعة صفین، ص ۲۱۱؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۲.

۳. درباره شاخه‌های خوارج و وضعیت آنها در دوره‌های متأخر بنگرید: نامی عمرو خلیفه، دراسات عن الاباضیة، ج ۱، ص ۳۳.

۴. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۸، ص ۱۱۴-۱۱۸؛ جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۳۴-۳۳۸.

بخش اول: کلیات و مبادی ۱۳

حسن بصری به او گفت: در روزگار ما جماعتی که «وعیدیه خوارج» نام دارند، پیدا شده‌اند که مرتکب کبیره را کافر می‌دانند.^۱

طبق خبری که طبری (م ۳۱۰ق) نقل می‌کند، جماعتی از خوارج به سراغ ابومجلز (م ۱۰۶ق) از محدثان تابعی رفته و با اشاره به این آیه درصدد برآمدند نظر او را طبق تفسیر خود، در تأیید دلالت آیه بر کفر حاکمان مسلمان زمانه جلب کنند؛ اما او تصریح می‌کند که آنها با رفتارهای خود تنها مرتکب گناه شده‌اند و خود به گناه بودن اعمالشان اذعان دارند؛ از این رو، تنها به خاطر ارتکاب گناه عملی از ایمان خارج نمی‌شوند.^۲

ادعای فوق از سوی خوارج تنها در جنگ با امام خلاصه نشد، بلکه در امتداد آن، به خون‌ریزی‌های زیاد دیگری منجر شد تا آنجا که به گزارش محققان، این گروه فضایی از رعب و وحشت را ایجاد کرده بودند و گاه با شمشیر به بازار هجوم می‌بردند و در جمع مردم با شعار «لا حکم الا لله» شمشیر کشیده و بی‌محابا به قتل آنان می‌پرداختند.^۳

در سال‌های بعد فرقه دیگری از خوارج به نام «ازارقه» پیروان نافع بن ازرق (م ۶۵ق) به مثابه افراطی‌ترین گروه خوارج،^۴ در مسئله ایمان شرایطی بسیار سخت‌گیرانه گذاشته و رسماً به تکفیر و حتی مشرک دانستن غالب مسلمانانی پرداختند که با آنان هم‌عقیده نبودند و یا حتی به‌رغم ادعای اسلام، حاضر به همراهی و هجرت به سرزمین آنان به‌عنوان دارالاسلام نمی‌شدند.^۵ ابن حزم (م ۴۵۶ق) با اشاره به عمل «استعراض» به معنای تفتیش عقاید چنین می‌نویسد:

ازارقه بر این رأی بودند که هرگاه با مسلمانی که به اردوگاهشان تعلق ندارد برخوردند، باید (به ضرب شمشیر) از او بخواهند که معتقدات دینی‌اش را عرضه کند؛ اگر او می‌گفت مسلمانم، همان‌جا او را می‌کشتند (زیرا به لحاظ نظری شرط اسلام حضور در دارالاسلام یعنی سرزمین آنان بود) ولی هرکس اعلام می‌کرد یهودی یا مسیحی یا مجوس است، از کشتن معاف می‌شد.^۶

۱. شهرستانی، همان، ج ۱، ص ۶۱.

۲. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۶۳.

۳. ملطی، التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع، ص ۵۱.

۴. همان، ص ۱۶۷.

۵. بغدادی، الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية، ص ۵۴.

۶. ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، ج ۴، ص ۱۴۴؛ نیز بنگرید: مسعودی، مروج الذهب و معادن

الجواهر، ج ۳، ص ۱۳۸؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۰۵.

با این حال محققان، آرای دیگری را نیز از برخی شاخه‌های غیر مشهور خوارج گزارش کرده‌اند که حاکی از مخالفت آنان با رأی مشهور خوارج به‌ویژه ازارقه است؛ چنان‌که به فرقه مکرمیه (پیروان ابومکرم) این قول را نسبت داده‌اند که ملاک کفر، خود عمل نیست، بلکه آنچه مایه تکفیر گناهکار است، عنصری است که لازمه گناه اوست؛ یعنی جهل و نادانی نسبت به خداوند؛^۱ یا فرقه بیهسیه (پیروان ابوبیسه) اساساً ایمان را به معرفت تعریف کرده و گناه را صرفاً نشانه کفر نه خود کفر دانسته‌اند و البته مانند مکرمیه ارتکاب گناه را اگر از سر عدم معرفت به خدا باشد، نشانه کفر شمرده‌اند.^۲

همچنین نظر متفاوت شاخه‌ای از خوارج به نام اباضیه که در آراء منسوب به حسن بصری نیز نقل شده، یادکردنی است. این نظر مرتکب کبیره را نه کافر و نه فاسق، بلکه منافق نامیده است.^۳

خاطر نشان می‌شود، در سال‌های بعد، به‌ویژه در قرن سوم و چهارم، نیز تکفیر به‌مثابه ابزاری علیه مخالفان مورد استفاده قرار گرفته و گاهی همگون با خوارج با روشی خشونت‌آمیز به ایجاد فتنه‌های خونین انجامیده است که سرگذشت تلخ جریان برهاریه به پیشوایی حسن بن علی برهاری (۲۳۳-۳۲۹ق) از حنبلیان افراطی بغداد صاحب کتاب شرح السنه نمونه‌ای از آن است.^۴ مقدسی (م ۳۸۰ق) در ضمن توصیف این فتنه‌ها می‌نویسد:

در بغداد گروه‌هایی تندرو چون مشتهه و برهاریه وجود دارند که در حب معاویه افراط می‌کنند.^۵

برهاری اولین بار به‌صورت آشکارا، زیارت قبور و مرثیه‌خوانی بر امام حسین (علیه السلام) را ممنوع اعلام کرد و به کشتار مرثیه‌سرایان آن حضرت، حکم صادر نمود.^۶ برهاری هرکسی را که به روش کلامی با آراء و عقائد او مخالفت می‌ورزید، تکفیر می‌کرد و یاران خود را وادار می‌نمود

۱. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. اشعری، مقالات، ص ۱۰۵؛ برای تأملاتی در انتساب این رأی به‌مثابه دیدگاهی کلامی به حسن بصری بنگرید: ایزوتسو، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ص ۹۰-۹۵.

۴. ر. ک: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۲۷۳.

۵. مقدسی، احسن التفاسیم، ص ۱۲۶.

۶. زرکلی، الأعلام، ج ۲، ص ۲۰۱.

بخش اول: کلیات و مبادی ۱۵

که با مخالفان وی با خشونت رفتار کنند و خانه‌های آنان را غارت نمایند.^۱ آنها نه تنها به شیعیان که حتی به برخی از سلفی‌های معتدل نیز تعرض می‌کردند؛ از جمله هجوم آنان به خانه ابن جریر طبری مفسر و مورخ معروف و سنگسار نمودن آن به خاطر انکار رأی تشبیه‌گرایی ایشان درباره جلوس خدا بر عرش، معروف است.^۲

در سخنی ارزشمند از امام علی (علیه السلام) به این نکته اشاره شده است که درون مایه اندیشه نادرست خوارج با هلاکت آنان در نهر روان از بین نرفته و در آینده فتنه ایشان هر از چندی ظهور کرده و البته سرکوب می‌شود و آخرین گروه ایشان در قالب دزدانی غارتگر خواهند آمد.^۳ همچنین در روایتی از امام باقر (علیه السلام) به نقل شیخ کلینی تعبیری هوشمندانه از مشکل اساسی در تفکر کلامی خوارج بازگو شده و در پاسخ سؤالی راجع به ایمان ضروری، چنین آمده است: *الدین واسع، و لکن الخوارج ضیقوا علی أنفسهم من جهلهم؛*^۴ دین و ایمان عرصه‌ای وسیع و گشوده دارد، ولی خوارج از روی جهالت، آن را بر خویش تنگ کردند.

ب) مرجئه

اطلاعات معتبر ما از جریان مرجئه چندان زیاد نیست و بیشتر متکی به گزارش‌های انتقادی دیگران است. بنا به گزارش‌های مشهوری از نویسندگان ملل و نحل، این جریان با دو رویکرد نظری-کلامی و اجتماعی-سیاسی شناخته می‌شود:

رویکرد نظری-کلامی

رویکرد کلامی مرجئه با محوریت مسئله شرایط ایمان و حکم مرتکب کبیره مطرح شده است. ایمان در باور مشهور این گروه (با تفاوت‌هایی در میان شاخه‌های آنها) تنها به تصدیق قلبی به معنای معرفت درونی تعریف شده و در مقابل، کفر نیز جحود و انکار قلبی شمرده شده و در

۱. مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۵۰؛ در این باره بنگرید: رحیمی و بازوند، «آموزه‌های بربهاری و تأثیر آن در جریان‌های سلفی‌گری»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۱۲۱-۱۴۳.

۲. یاقوت حموی، معجم الأدباء = إرشاد الأریب إلى معرفة الأديب، ج ۶، ص ۲۴۵۰.

۳. سید رضی، نهج البلاغة، ص ۹۳، خطبه ۶۰.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۹۸، ح ۶.

۱۶ مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری در آیات ایمان و کفر

نتیجه، کسی تنها به جهت ترک عمل، شایسته تکفیر دانسته نشده است.^۱ البته نظر مشهور دیگری نیز به برخی شاخه‌های متأخرتر منسوب به این جریان به‌ویژه به ابوحنیفه و پیروان ماتریدی او انتساب دارد که تصدیق قلبی و زبانی را در تعریف ایمان مطرح کرده‌اند.^۲ در نظر مشهور مرجئه برای عمل هیچ نقشی در تحقق ایمان (نه به‌عنوان جزء و نه به‌عنوان شرط) دیده نشده و در نتیجه، آنان گناه را مانع سعادت و رستگاری مؤمن نمی‌دانستند و به این طریق، گناهکاران را بیش از اندازه امیدوار ساخته، جرئت بر گناه می‌دادند.^۳ شهرستانی رویکرد تفریطی مرجئه را در مقابل افراط خوارج چنین گزارش می‌دهد:

و قصرت المرجئة فی مقابلتهم الخوارج حیث قالوا: الإیمان قول و عقد و إن عری عن العمل فلا یضّر مع الإیمان معصیة کما لا ینفع مع الکفر طاعة... حتی قالت لم یضّر العبد إن لم یأت بطاعة واحدة؛ در تقابل با افراط خوارج، مرجئه دچار تفریط شدند و گفتند: ایمان همان قول و اعتقاد است؛ هرچند عاری از عمل؛ بنابراین هیچ گناهی با وجود ایمان، آسیب‌زا نیست؛ چنان‌که با وجود کفر، هیچ طاعتی سودمند نیست... تا آنجا که گفتند: اگر بنده هیچ طاعتی هم انجام ندهد، ضرری به ایمان او نمی‌رسد.^۴

به توضیح فوق، نزاع کلامی مرجئه و خوارج بیشتر با محوریت مسئله نقش عمل در ماهیت ایمان و کفر و حکم مرتکب کبیره شناخته می‌شود؛ اما این نزاع، به‌ویژه با توجه به انعکاس آن در دیگر جریان‌های فکری و واکنش آنها، افزون بر مسئله فوق، با محوریت دو مسئله دیگر یعنی مسئله رابطه ایمان و معرفت و نیز رابطه ایمان با اراده، اهمیت زیادی یافته است. در فصل دوم از بخش آینده، تحلیلی از این مسئله‌ها را پی‌می‌گیریم.

رویکرد اجتماعی-سیاسی

این رویکرد در میان شاخه‌های مختلف مرجئه متفاوت بوده است؛ برخی آنان که به «مرجئه

۱. بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۱۹۰؛ نیز بنگرید: ملطی، التنبیه، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ نوبختی، فرق الشیعة، ص ۶؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲. بغدادی، أصول الدین، ص ۲۴۹؛ تفتازانی، شرح العقاید النسفیة، ص ۷۹؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ درباره گرایش ارجائی ابوحنیفه در دو حوزه کلامی و سیاسی و تصریح به عدم نقض ایمان با گناه بنگرید: ابوحنیفه، الفقه الاکبر، ص ۱۰۰.

۳. جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۲۲؛ فضل‌بن‌شاذان، الايضاح، ص ۴۵-۴۶.

۴. شهرستانی، نهاية الاقدام، ص ۴۷۱ و ۴۷۴.

بخش اول: کلیات و مبادی ۱۷

خالصه» یاد شده‌اند، با تکیه بر همان نظریه کلامی و نگرش خوش‌بینانه به مسلمانان به‌ویژه صحابه، خود را از فتنه‌های زمانه دور نگاه داشته و در اختلافات میان خلفا و حاکمان سیاسی، موضع سکوت و ممانعت در پیش می‌گرفتند. در شمار نخستین گروندگان به این جریان با همین رویکرد سیاسی از سعد بن ابی‌وقاص (بین سال‌های ۵۴-۵۸ق)، عمران بن حصین (م ۵۲ق)، عبدالله بن عمر (م ۷۳ق) و حسن بن محمد بن حنفیه (م ۹۵ یا ۹۹ق) یاد شده است.^۱ اشعری (م ۳۲۴ق) دوازده فرقه مرجئی را برمی‌شمارد که وجه مشترک آنها باور به جدایی ایمان از عمل و سکوت و سازش با حاکمان و دوری از فتنه‌های اجتماعی بوده است.^۲

این دسته هرچند در نزاع سیاسی امویان و علویان یا عثمانیان و علویان بی‌طرف بودند،^۳ اما در نهایت به دلیل همین بی‌طرفی و سیاست سکوت در برابر رفتارهای جائزانه حکومت، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در خدمت دستگاه اموی و مورد حمایت آنان واقع شدند.^۴

در مقابل، دو شاخه دیگر آنان که مرجئه قدریه به پیشوایی غیلان دمشقی (م ۱۱۹ق) و مرجئه جبریه به پیشوایی جعد بن درهم (م ۱۲۴ق) یا جهم بن صفوان (م ۱۲۸ق) معرفی شده‌اند، غالباً با حاکمان مروانی و سپس عباسی سر ستیز داشته و شخصیت‌های زیادی از ایشان از جمله پیشوایان اصلی آنها یعنی غیلان، جعد بن درهم، جهم بن صفوان در همین راه از جان خود مایه گذاشتند؛^۵ به‌طور خاص مرجئه قدریه، ادعای انحصار خلافت در عرب و قریش را رد کرده و دخالت جبر در موضوع خلافت را نادرست می‌دانستند؛ اصلی که امویان با تمسک به آن، حکومتشان را از جانب خداوند و قضای الهی قلمداد می‌کردند.^۶

۱. شهرستانی، همان، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۲. اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۶۹-۷۳؛ برای تفاوت دیدگاه شاخه‌های مختلف این جریان بنگرید: اشعری، همان، ص ۱۳۲-۱۴۱؛ اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، ص ۵-۶؛ سیدمرتضی، نفائس التأویل، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱.

۳. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۴؛ مدلونگ، فرقه‌های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، ص ۳۷؛ زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۳۲۷.

۴. احمد امین، ضحی الإسلام، ج ۳، ص ۳۲۶-۳۲۷؛ هاشم معروف حسنی، جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ سبحانی تبریزی، بحوث فی الملل و النحل، ص ۷۱-۷۲.

۵. احمد امین، ضحی الإسلام، ج ۳، ص ۳۲۳-۳۲۷.

۶. حسین عطوان، فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام، ترجمه حمیدرضا شیخی، ص ۸۴.

پایگاه اجتماعی مرجئه بعدها در عصر متوکل عباسی با گرایش دستگاه خلافت به اهل حدیث، تضعیف شد و آنان به مرور در جریان‌های دیگر هضم شدند؛ به‌طور خاص مرجئه قدریه (که به لحاظ کلامی به اختیار و آزادی عمل و نفی قضا و قدر محتوم الهی، از جمله در مسئله ایمان و کفر، شناخته می‌شدند و به لحاظ سیاسی-اجتماعی نیز مخالف حاکمان بودند) به معتزله و مرجئه جبریه به اشاعره گرایش یافتند.^۱

ج) متکلمان نخستین معتزله

جریان معتزله که در برابر جریان‌های ظاهرگرا، به‌عنوان جریانی عقل‌گرا شناخته می‌شود، در یک تقسیم به دو شاخه متقدم و متأخر تقسیم می‌شود. معتزله متقدم تا حدود سال ۲۳۴ هجری و روی کار آمدن متوکل عباسی و معتزله متأخر در سال‌های بعد در تقابل با جریان‌های متقدم کلامی دیگر قرار گرفتند.^۲ در تقسیم دیگر، دوره‌های حیات علمی معتزله با محوریت دو مدرسه بصره و بغداد شناخته می‌شود. در این میان، مدرسه بصره خاستگاه جریان معتزله است که واصل بن عطاء (م ۱۳۱ق) و عمرو بن عبید (م ۱۴۳ق) در مرحله تأسیس آن نقش ایفا کرده‌اند؛ همچنین معمر بن عباد سلمی (م ۲۱۵ق)، ابراهیم بن سیار معروف به نظام (م ۲۳۱ق)، ابوالهذیل علاف (م ۲۳۵ق)، جاحظ (م ۲۵۵ق)، ابوعلی جبائی (م ۳۰۳ق) و ابوهاشم جبائی (م ۳۲۱ق) از دیگر بزرگان این مدرسه تا اوایل قرن چهارم هجری به شمار می‌آیند.

همچنین از مدرسه معتزلی بغداد در این دوره، شخصیت‌هایی چون بشر بن معتمر (م ۲۱۰ق)، ابوجعفر اسکافی (م ۲۴۰ق)، ابوالحسین خیاط (م ۲۹۰ق)، ابوالقاسم بلخی (م ۳۱۹ق) و ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی (م ۳۲۲ق) قابل ذکرند. معتزله نخستین بغداد در نیمه اول قرن سوم در پناه حمایت‌های مأمون عباسی و سپس معتصم و واثق در برابر اهل حدیث قوت گرفتند. در این مرحله زمینه‌های قرابت معتزله با شیعه، بر اثر گرایش‌های شیعی بشر بن معتمر و نیز پیوستن شماری از عالمان معتزله مانند ابوعلی و ژاق (م ۲۴۷ق) و ابن‌راوندی (متوفای نیمه دوم قرن سوم) به مذهب شیعه فراهم شد.

۱. فضل‌بن‌شاذان، الايضاح، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۲. جمعی از نویسندگان به کوشش مهدی فرمانیان، فرق تسنن، ص ۳۱۴.

بخش اول: کلیات و مبادی ۱۹

از نکات قابل توجه در تمایز دو مدرسه بصری و بغدادی معتزله نخستین، دیدگاه آنان درباره ایمان و کفر و شرایط تکفیر است. دیدگاه کلی و مشترک آنان از جهتی همگون با نظریه خوارج است که ایمان را افزون بر تصدیق و باور قلبی، شامل اعمال جوارحی نیز می‌دانستند؛ اما باور متمایز آنان از خوارج آن بود که ترک عمل را لزوماً سبب کفر ندانسته و به موجب اصل اعتزالی «منزلة بین المنزلتین» آن را تنها سبب فسق می‌شمردند.^۱ در این میان، در مدرسه معتزله بغداد برخلاف مدرسه بصره، برخی چون جعفر بن بشر و جعفر بن معتمر، انکار برخی باورهای اعتزالی مثل قدیم بودن قرآن را سبب شرک و کفر می‌شمردند و آن را ملازم با تعدد قدماء تلقی می‌کردند. ۲. ماجرای «محنة القرآن» در روزگار خلفای عباسی (مأمون، معتصم و واثق) که با تحریک عالمان معتزلی بغداد صورت گرفت و به بازجویی و تفتیش اعتقادی و مؤاخذه قائلان به قدیم بودن قرآن انجامید، در همین راستا بود.^۲

د) اهل حدیث

طیفی از محدثان اهل سنت در عصر تابعان و شاگردان مکتب ایشان در این جماعت قرار می‌گیرند. آنان در اصل گرایشی به مباحثات کلامی نداشتند و با علم کلام عقلی و روش‌های احتجاجی و جدلی متکلمان مخالف بودند، اما در مواجهه با متکلمان ناچار به نگارش آثار کلامی و ردیه‌نویسی بر آنان شدند.^۳ آرای کلامی این جریان در مدارس چون مدرسه کلابیه با حضور سه شخصیت برجسته: عبدالله بن سعید کلابی مشهور به ابن کلاب (م ۲۴۰ق)، حارث بن اسد محاسبی (م ۲۴۴ق) و ابوالعباس قلانسی (معاصر اشعری در حدود نیمه اول قرن چهارم) با رویکردی عقلی-کلامی تثبیت شده است. محققان، این مدرسه را حلقه اتصال اهل حدیث با رویکرد عقلی متکلمان اشاعره و ماتریدیه شمرده‌اند؛^۴ چنان‌که پیشوای اصلی اشاعره، یعنی ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ق) و پیشوای ماتریدیه، یعنی ابومنصور ماتریدی

۱. بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۱۱۹.

۲. ر.ک: قاضی عبدالجبار، المحيط بالتکلیف، ص ۳۳۱؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۹۳؛ درباره دیدگاه تکفیری معتزله بغداد بنگرید: ایزوتسو، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ص ۵۳-۵۴.

۳. ر.ک: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۲۲؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۴۸۸.

۴. ابن قتیبه، تأویل مختلف الحدیث، ص ۲۱؛ محمد موسی، نشأة الاشعرية و تطورها، ص ۲۱.

۵. ر.ک: جعفری، «تطور اندیشه‌های کلامی در میان اهل سنت»، معارف عقلی، شماره ۱۱، ص ۳۱.

۲۰ مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری در آیات ایمان و کفر

(م ۳۳۳ق) هر یک به نوعی به همین خاستگاه مکتبی تعلق داشته و درصدد اصلاح رویکردهای کلامی اهل حدیث برآمدند.

ویژگی کلامی و اعتقادی این طیف، رویکردی ظاهرگرایانه با اثبات صفات خداوند و نفی تأویل از ظواهر آیات است. از منابع معروف عقاید ایشان می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

الرد علی اهل الاهواء، شافعی (م ۲۰۴ق)؛ کتاب السنة، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)؛ الرد علی الزنادقة و الجهمة، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)؛ رد الدارمی علی المریسی، عبدالله بن احمد دارمی (م ۲۵۵ق)؛ خلق الافعال، محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)؛ کتاب السنة، ابوداود سجستانی (م ۲۷۵ق)؛ التوحید و اثبات صفات الرب، ابوبکر ابن خزیمه (م ۳۱۱ق)؛ کتاب الابانة، ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ق)؛ الاعتقاد القادری که به دستور القادر بالله (م ۴۲۳ق) بیست و پنجمین خلیفه عباسی و با تأیید برخی عالمان آن زمان تهیه شد؛ الاسماء و الصفات، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (م ۴۵۸ق).^۱

همچنین رویکرد تفسیری ظاهرگرایانه این جماعت را در مواجهه با مسائل کلامی، از جمله در موضوع ایمان و کفر، می‌توان در منابع تفسیری حدیثی متقدم اهل سنت مانند تفسیر طبری (م ۳۱۰ق) و تفسیر ابن ابی حاتم رازی (م ۳۲۷ق) جست‌وجو کرد.

در خصوص موضوع ایمان و کفر، آرای کلامی این جماعت که مبتنی بر ظاهر احادیث است، در منابع اولیه ایشان قابل بررسی است؛ از جمله در متن رسمی الاعتقاد قادری به گزارش ابن جوزی در تعریف ایمان چنین آمده است:

بر هر مسلمانی واجب است بداند که ایمان عبارت است از قول و عمل و تصدیق قلبی؛ قول به زبان و عمل با اعضای بدن، و ایمان کم و زیاد می‌شود؛ با اطاعت افزایش می‌یابد و با معصیت کاستی می‌گیرد، و ایمان مراتبی دارد که بالاترین آن «لا اله الا الله» و پایین‌ترین آن برداشتن مانعی از سر راه مسلمانان است.^۲

همچنین بر اساس این متن، در باب تکفیر و شرایط و حدود آن جز با ترک نماز نمی‌توان کسی را کافر دانست و هرکس سالم و آزاد باشد و بدون هیچ‌گونه عذری بنشیند تا وقت نماز

۱. در این باره بنگرید: جعفری، همان، ص ۷-۱۰؛ نیز بنگرید: فؤاد سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء چهارم، ص ۹ به بعد.

۲. ابن جوزی، المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم، ج ۱۵، ص ۲۸۰.

بخش اول: کلیات و مبادی ۲۱

بگذرد کافر است؛ هر چند وجوب آن را انکار نکند و به گفته پیامبر ﷺ هر کس نماز نخواند کافر می شود و کافر می ماند تا توبه کند و قضا به جای آورد و اگر پیش از توبه بمیرد، نباید بر او نماز میت خوانده شود و با فرعون و هارون و قارون و ابی بن خلف محشور خواهد شد. اما ترک اعمال دیگر در صورتی که وجوب آن انکار نشود موجب کفر نیست و تنها فسق آور است.^۱ البته این متن تصریح دارد که برخی باورهای اساسی، مانند باور به قدیم بودن قرآن نیز ملاک ایمان و انکار آنها ملاک کفر است؛^۲ چنان که در دیگر متون اهل حدیث در کنار این باور، باورهایی دیگر به ویژه اثبات صفات زائد بر ذات برای خداوند، انتساب افعال بندگان به خداوند و امکان رؤیت خداوند نیز ملاک ایمان و کفر تلقی شده اند.^۳

ه) متکلمان حدیث‌گرای امامیه

بستر اولیه دانش کلام امامیه در دوره متقدم را باید در منابع حدیثی پیشوایان معصوم این مکتب و آثار نخستین شاگردان ایشان عمدتاً در سه قرن نخست هجری در سه مدرسه مدینه، کوفه و قم، جست‌وجو کرد.^۴ در این جریان، جدی‌ترین و شاید نخستین مسئله کلامی مورد بحث، مسئله امامت بود که به پشتوانه احادیث نبوی از سوی جمعی از اصحاب پیامبر ﷺ و امام علی (علیه السلام) در برابر جناح خلافت مورد تأکید قرار گرفت.^۵ پاره‌ای از مسائل کلامی دیگر، به ویژه با محوریت دو موضوع کلی توحید و عدل، در میان جمعی از شاگردان این مکتب، حوزه کلام متقدم امامیه را در تقابل با جریان‌های مطرح کلامی آن عصر چون مرجئه، معتزله و اهل حدیث رونق بخشید. پشتوانه نظری این مدارس کلامی را ابتدا در احادیث امام علی (علیه السلام) و سپس بیشتر

۱. همان، ج ۱۵، ص ۲۸۱.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۸۰.

۳. در این باره بنگرید: جعفری، همان، ص ۴۲.

۴. ر. ک: کاشفی، کلام شیعه ماهیت، مختصات و منابع، ص ۱۴۸-۱۵۲؛ سبحانی، «کلام شیعه ریشه‌ها و رویش‌ها»، فصلنامه نقد و نظر، سال هفدهم، شماره اول، ص ۱۰-۱۳ و ص ۲۸-۳۰؛ محمدتقی سبحانی با تکیه به شواهد قابل دفاعی، احادیث امام علی (علیه السلام) را در موضوعات کلامی که از سوی برخی شاگردان ایشان مانند محمد بن حنفیه فرزند آن حضرت ترویج شده و از طریق واصل بن عطا به برخی جریان‌های کلامی چون معتزله انتقال یافته، نشانه‌های مدرسه کلامی مدینه شمرده است (ر. ک: همان، ص ۲۴-۲۶)؛ هر چند اذعان به ویژگی‌های یک مدرسه کلامی درباره این دوره با چند و چون همراه است.

۵. اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۳۹؛ شهرستانی، الملل و النحل، ص ۲۰.

۲۲ مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری در آیات ایمان و کفر

در احادیث امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) می‌توان جست‌وجو کرد که به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی، امکان صدور و نشر یافته بودند.^۱ محدثانی مانند زرارة بن اعین، هشام بن حکم، هشام بن سالم، ابوجعفر احول ملقب به مؤمن الطاق، علی بن اسماعیل میثمی، فضل بن شاذان، احمد بن محمد بن عیسی و سعد بن عبدالله قمی برخی از نمایندگان برجسته این جریان به شمار می‌آیند.^۲

نکته قابل اشاره آن است که به دلیل غنای معرفتی احادیث اهل بیت (علیهم السلام) در حوزه‌های مختلف به ویژه توحید و عدل که مورد نزاع جریان‌های کلامی آن دوره بود، نوعی عقلانیت نهادینه شده در باور کلامی حدیث‌گرایان متقدم امامیه وجود داشته که دیدگاه آنان را در مسائل کلامی از دیدگاه ظاهرگرایان اهل حدیث سنی متمایز کرده است. تأکید اساسی احادیث اهل بیت (علیهم السلام) بر حجت درونی عقل در کنار حجت بیرونی و ظاهری نقل و انعکاس آن در آثار شاگردان این مکتب، رویکرد عقلانی این دسته را به روشنی متمایز از رویکرد ظاهرگرایان نشان می‌دهد.^۳

دیدگاه قابل انتساب به این جماعت در خصوص موضوع ایمان و کفر، پیرو احادیث مشهوری از اهل بیت (علیهم السلام) آن است که ایمان شامل سه رکن تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل جوارحی است.^۴ با این حال، در باور آنان دخالت عمل در ارکان ایمان، به معنای آن نیست که مرتکب کبیره را همچون خوارج و معتزله فاقد ایمان بدانند و یا مانند خوارج کافر بشمارند.^۵

از دیگر مسائل مورد بحث در میان متکلمان حدیث‌گرای امامیه مسئله اضطراری بودن ایمان و معرفت ایمانی است که درباره آن گفت‌وگوهای جدی میان محققان شیعه درگرفته است. در این باره در فصل دوم از بخش آینده سخن خواهیم گفت.

۱. ر.ک: سبحانی، همان، ص ۲۴-۲۸.

۲. ر.ک: سبحانی تبریزی، معجم طبقات المتکلمین، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۲؛ رضانزاد، «متکلمان و تألیفات کلامی امامیه تا سده ۳ هجری»، کلام اسلامی، شماره ۴۴.

۳. در این باره از جمله بنگرید: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰-۲۹؛ نیز بنگرید: اسعدی، جریان‌شناسی تفسیر معتزلی، ص ۳۰-۳۳.

۴. ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸، باب ۳۰: «أن العمل جزء الإيمان و أن الإيمان مبثوث علی الجوارح».

۵. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۰؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۱، باب ثبوت الکفر و الإرتداد بترك الصلاة الواجبة جُوداً لها أو استخفافاً بها؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۷، ص ۵۶؛ در این باره در بخش آینده سخن خواهیم گفت.